
نقدی بر مدل فرزندپروری بامریند و ارائه مدلی از

سبک فرزند پروری بر اساس نهج البلاغه

امیرعلی خطیبی* / سیدرضا بلاغت**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۱۹

چکیده

هدف پژوهش حاضر، نقدی بر مدل فرزندپروری بامریند و ارائه مدلی از سبک فرزند پروری بر اساس نهج البلاغه بوده است. پژوهش از نوع کیفی و بر اساس روش استنباطی می‌باشد. در این پژوهش در ابتدا سبک‌های فرزند پروری بامریند (آسان‌گیر، مستبدانه و مقتدرانه) از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) مورد نقد قرار گرفته و سپس بر مبنای دیدگاه آن حضرت با تکیه بر نهج البلاغه مدلی از سبک فرزند پروری ارائه شده است. مدل مذکور دارای پیش فرض‌ها (مقدمات)، ویژگی‌ها، اصل و نتیجه است. طبق یافته‌ها، پیش فرض‌های مدل عبارت اند از نیت الهی (خشنودی خدا)، تربیت پذیر بودن انسان، خانواده محوری، و اعتماد پروری. ویژگی‌ها نیز به ویژگی‌های سلبی و ایجابی تقسیم‌بندی و مصداق‌های آن معرفی شده است. اصل اساسی مدل، اعتدال و نتیجه نهایی و اصلی آن قرب الهی و سعادت انسان است.

واژگان کلیدی

سبک فرزند پروری، بامریند، امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه.

*amirali.khatibi71@gmail.com

balaghat@edpsy.usb.ac.ir

*. کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان

** .دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)

مقدمه

خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می‌آورد. کودک در خانواده پندارهای اولیه را درباره جهان فرامی‌گیرد از لحاظ ذهنی و جسمی رشد می‌یابد شیوه‌های سخن گفتن را می‌آموزد هنجارهای اساسی رفتار را یاد می‌گیرد و سرانجام نگرش‌ها، اخلاق و روحیاتش شکل می‌گیرد و به عبارتی اجتماعی می‌شود (زهرا کار؛ به نقل از فخری، ۱۳۹۵).

اصطلاح فرزند پروری از ریشه پریو^۱ به معنی "زندگی بخش" گرفته شده است. منظور از شیوه‌های فرزند پروری، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند و بیانگر نگرش‌هایی است که آن‌ها نسبت به فرزندان خود دارند و هم‌چنین شامل قواعدی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند. ولی باید پذیرفت که رفتارهای فرزند پروری به واسطه فرهنگ، نژاد و گروه‌های اقتصادی تغییر می‌کند (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۷).

پدر و مادر الگوهای فرهنگی و ارزش‌های جامعه خود را درست همان‌طور که توسط والدین، معلمین و غیره به آن‌ها منتقل شده است در کودک خود منعکس می‌کنند. کودک همراه رشد خود، ارزش‌ها، آرمان‌ها، گرایش‌های اجتماعی و طرحی از نقش خود، در اشیاء و امور و نیز رابطه‌ی بین آن‌ها پیدا می‌کند. هدف تمامی شیوه‌های پرورشی کودک، آماده‌سازی وی برای ایفای نقشی است که گروه و حوزه فرهنگی وی بر عهده‌اش می‌گذارد. کودکان چنان پرورش می‌یابند که بتوانند راه ترسیم زندگی والدین خود را پی گیرند، والدین و آموزگاران واسطه انتقال آرمان‌های فرهنگی خود هستند.

شیوه‌های فرزند پروری به‌عنوان مجموعه یا منظومه‌ای از رفتارها که تعاملات والد و کودک را در طول دامنه گسترده‌ای از موقعیت‌ها توصیف می‌کند و یک جو تعاملی تأثیرگذار را به وجود می‌آورد تعریف می‌شود. شیوه‌های فرزند پروری یک عامل تعیین‌کننده و اثرگذار است که نقش مهمی در آسیب‌شناسی روانی و رشد کودکان بازی می‌کند (ماهر و کمیجانی، ۱۳۸۶).

اصطلاح خانواده به‌عنوان اولین کانون اجتماعی، عوامل مختلفی دارد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد فرزندان به‌ویژه رشد روانی آن‌ها، چگونگی روش‌های تربیتی والدین در چارچوب خانواده است. روش تربیتی والدین در تکوین شخصیت و هم‌چنین سازگاری آنان با وضعیت مختلف اجتماعی مؤثر است. روابط مطلوب میان والدین و فرزندان در سلامت روان فرزندان تأثیر فراوان دارد. ارتباط

1. pario

والدین و فرزندان از جمله موارد مهمی است که مهرومومها نظر صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است (پرچم و همکاران، ۱۳۹۱).

فرزند پروری در خانواده از دیرزمان از موضوعات مورد توجه انسان‌های بزرگ بوده است که در منابع اسلامی نیز به شیوه‌های تربیت اشاره شده است (کو خایی، ۱۳۹۴) اندیشمندان به ویژه در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی نیز همواره علاقه‌مند بوده‌اند که چگونگی تأثیر روش‌های تربیتی پدر و مادر را بر رشد قابلیت‌های اجتماعی فرزندان مطالعه و بررسی کنند. که یکی از مهم‌ترین مباحث در این حوزه فرزند پروری نامیده می‌شود (دارلینگ و استرینگ^۱، ۱۹۹۳).

بر همین اساس، پژوهش حاضر به موضوع فرزندپروری در خانواده از دیدگاه اسلام (نهج البلاغه) و اندیشمندان (بامریند^۲) خواهد پرداخت.

بیان مسئله

والدین تأثیر زیادی در زندگی کودکان دارند. آن‌ها نقش فعال در زندگی کودکان دارند. والدین نگرش، رفتار، اعتقاد، ارزش‌ها و پیشینه‌ی منحصر به فرد دارند و این ویژگی‌ها از والدین تا والد متفاوت است. والدین در این دنیا رفتارهای مختلفی برای پرورش فرزندان خود دارند. نگرش‌های خاص و رفتارهایی که والدین نشان می‌دهند سبک والدین هستند و این سبک‌ها در زندگی کودکان اهمیت دارد (فرزانا بی‌بی^۳ و همکاران، ۲۰۱۳). برقراری رابطه مثبت با کودک یا نوجوان از اصول اولیه‌ی فرزند پروری است (رضوی و همکاران، ۱۳۹۵).

والدین برای تربیت فرزندانشان، اعتقادات و روش‌های مختلفی دارند که مجموعه‌ی این اعتقادات و روش‌ها، سبک فرزند پروری والدین را تشکیل می‌دهد. طبق دیدگاه بامریند، فرزند پروری به روش‌ها و رفتارهای ویژه گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزند پروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است (بامریند، ۱۹۹۱). بامریند سه سبک فرزند پروری را با خصوصیات و آثار متفاوت فرزندان کرده است که عبارت است از فرزند پروری منطقی (مقتدرانه)، فرزند پروری مستبدانه و فرزند پروری آسان‌گیر. در سبک مستبد، کودک را محدود به آنچه والدین می‌خواهند می‌کنند و در واقع آزادی کودک را تا حد زیادی کم

1. Darling and Steinberg
2. Baumrind
3. Farzana Bibi

می‌کنند؛ در سبک آسان‌گیر، فرزندان دارای آزادی و حق انتخاب هستند و کنترلی بر آن‌ها وجود ندارد. از ویژگی‌های سبک مقتدرانه نیز گرم گرفتن در تعاملات خود با فرزندان، استفاده از تنبیه و بازخواست در موارد نیاز، کنترل آزادی، و توجه به توانایی‌ها را می‌توان نام برد.

در مورد این سبک‌ها و نتایج آن‌ها مطالعات مختلفی نیز صورت گرفته است؛ سعیدی و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «سبک فرزند پروری، عزت‌نفس و عملکرد دانش آموزان در امارات متحده عربی» به بررسی تأثیر سبک‌های فرزند پروری بر عملکرد و عزت‌نفس دانش آموزان کلاس پنجم و هشتم در نمونه‌ای از کودکان مدارس دولتی امارات متحده عربی پرداختند. نتایج تجزیه و تحلیل فاکتور نشان داد که انسجام و تلاش خانواده به طور مثبت با عملکرد مدرسه و خودمختاری به طور منفی با عملکرد مدرسه ارتباط داشت. اعتماد به نفس به طور معنی داری به هیچ‌یک از متغیرهای مورد مطالعه مرتبط نبود. یزدانی و دریایی (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «سبک‌های فرزند پروری و سازگاری روانی - اجتماعی نوجوانان با استعداد و عادی» در این مطالعه سبک‌های فرزند پروری و سازگاری روانی - اجتماعی نوجوانان و رابطه آن‌ها در نوجوانان باهوش در مقایسه با نوجوانان عادی مورد بررسی قرار گرفت. چهار مقیاس - پرسشنامه اعتبار والدین، نگرش کودک نسبت به والدین، مقیاس اعتماد به نفس روزنبرگنتایج نشان می‌دهد که والدین نوجوانان باهوش نسبت به والدین نوجوانان عادی مقتدر و کمتر مستبد هستند. نگرش‌های نوجوانان با استعداد نسبت به والدین آن‌ها مثبت‌تر از نوجوانان عادی بود. نوجوانان با استعداد خودباوری و واکنش‌های روان‌شناختی کمتر (افسردگی، اضطراب و استرس) از نوجوانان معمولی نشان دادند. متیجویتا و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «الگوهای عملکرد خانواده و ابعاد سبک فرزند پروری» رویکرد سیستماتیک به خانواده و این فرض که بین الگوهای کارکرد خانواده و سبک‌های فرزند پروری همبستگی وجود دارد، در هنگام بررسی این مسئله بیشترین تناسب را دارد. هاورد (۲۰۱۰) در پژوهش خود به بررسی والدین مقتدر و سبک‌های تربیتی پرداخت و به این نتیجه رسید که والدین مقتدر در مقایسه با دیگر والدین، گرمتر، صمیمی‌تر و با محبت‌تر هستند. این والدین هم به استقلال و تصمیمات فرزندان خود احترام می‌گذارند و هم قوانین و معیارهای مناسب تعیین می‌کنند و در مواضع خود قاطع و محکم هستند و در عین حال در مورد راهنمایی‌ها، معیارها و مخالفت‌های خود دلایل منطقی و قاطعانه ارائه می‌کنند (هاورد، ۲۰۱۰: ۳۹۸).

در راستای این تحقیقات، ارزیابی سبک‌های فرزند پروری، به ویژه سبک بامریند، از وجه دینی و به ویژه دین اسلام، از مباحث مورد علاقه محققان مختلف بوده است؛ طبق تحقیق پناهی (۱۳۹۷)، در



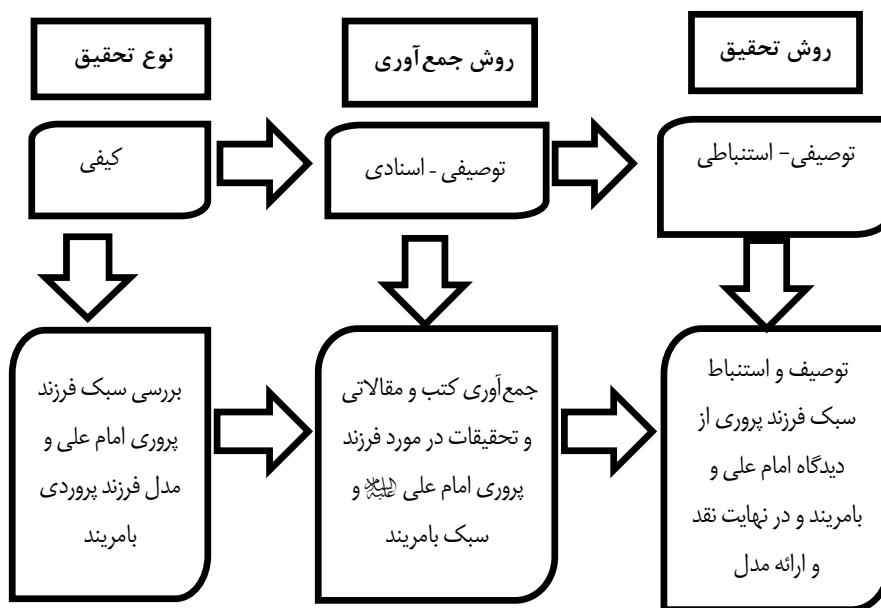
سبک فرزند پروری اسلامی، به دلیل اعتناء بر گزاره‌های وحیانی، تغذیه از معارف ناب و به دلیل مصونیت حداکثری از آزمایش و خطاهای متعارف در علوم تجربی، از اتقان و اطمینان آوری بیشتری برخوردار است. گرچه در این عرصه نیز، خطاهای مرتبط بافهم بشری می‌تواند چالش برانگیز باشد، اما می‌توان این چالش‌ها را با بهره‌گیری از متدهای متعدد که برای صحت و وسقم گزاره‌های دینی وجود دارد، به حداقل رساند. در چشم‌انداز اسلامی، فرزند پروری یکی از شاخص‌ترین نقش‌های والدین قلمداد شده و مسئولیت دقیق و خطیری را معطوف به والدین کرده است. احساس مسئولیت و آشنایی با اصول و روش‌های تربیت، از مباحثی است که به‌طور صریح و ضمنی در گزاره‌های اسلامی به آن پرداخته شده و این موضوع، در سبک تربیتی بامریند مطرح نشده و حداقل صراحت ندارد. یکی از نقاط ضعف اساسی که در سبک فرزند پروری بامریند وجود دارد و یا حداقل به‌صورت روشن بیان نشده است، عدم توجه به ظرفیت‌های روان‌شناختی، تفاوت‌های فردی، تفاوت‌های جنسیتی، گستره و دوره‌های تحول (کودکی، نوجوانی و جوانی) در فرزندان است. در گزاره‌های اسلامی، توصیه و تأکید شده که تربیت باید متناسب با توانمندی افراد و ظرفیت‌های شناختی و ادراکی متربی باشد. کوخایی و رودمقدس (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی با عنوان بررسی سبک‌های فرزند پروری در منابع اسلامی به بررسی این موضوع پرداختند که فرزند پروری از دیرزمان از موضوعات موردتوجه انسان‌های بزرگ بوده است. تحقیق حاکی از آن است که سبک مقتدرانه نزدیک‌ترین شیوه به روش تربیتی اسلام است. هدف این دیدگاه در نهایت تربیت یک انسان جاه‌طلب و برتری طلب است ولی هدف اسلام، پیشرفت معنوی با خدمت به هم‌نوع و در نهایت قرب الهی است. قدسی و قائمی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "بررسی تطبیقی سبک‌های فرزند پروری با سبک فرزند پروری امام علی (علیه السلام) در نامه سی و یکم نهج البلاغه" به این موضوع پرداخت که فرزند پروری اولین و اساسی‌ترین مرحله در فرآیند پرورش و اجتماعی کردن فرزندان در جامعه با توجه به باورها، ارزش‌ها و ایدئال‌های والدین است. یافته‌ها بیان‌گر این است که امام علی (علیه السلام) سبک‌های مستبدانه، سهل‌انگارانه و غفلت‌انگارانه را کاملاً رد می‌کند و هیچ‌کدام را مناسب تربیت نمی‌داند و در تربیت فرزندان از این شیوه‌ها استفاده نمی‌کند. پرچم و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان "مقایسه سبک‌های فرزند پروری با مریند با سبک فرزند پروری مسئولانه در اسلام" به مقایسه سبک‌های فرزند پروری در نظریه روانشناسی بامریند و سبک فرزند پروری مسئولانه در اسلام (قرآن و احادیث) است. نتیجه مقایسه نشان می‌دهد که از میان روش‌های تربیتی نظریه بامریند، سبک فرزند پروری مقتدرانه نزدیک‌ترین روش به روش تربیتی مسئولانه در اسلام و سبک‌های فرزند پروری آسان‌گیران و غفلت از

کودک به‌عنوان سبک‌های ناسالم از نظر اسلام مطرح شده است و سبک فرزند پروری مسئولانه مبتنی بر آیات و روایات بهترین روش فرزند پروری است. محمدی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان ارائه‌ی مدلی از سبک فرزندپروری بر اساس مبانی اسلامی به ارائه مدلی از سبک فرزند پروری بر مبنای اسلام پرداخته است. یافته‌ها بیانگر این است که اسلام و امام علی (علیه السلام) سبک‌های قاطعانه و اطمینان بخش، سهل انگارانه و مستبدانه و مسامحه کارانه‌ی روانشناسی و بامریند را کاملاً رد می‌کنند و هیچکدام را مناسب تربیت نمی‌دانند و در تربیت فرزندان از این شیوه‌ها را استفاده نمی‌کنند. و نهایتاً طبق نظر سانتراک (۲۰۱۱) در سبک فرزند پروری بامریند و به‌ویژه در سبک مستبدانه، به نیازهای عاطفی فرزندان توجهی نمی‌شود و با خشونت افراطی با آنان برخورد می‌شود. در روش سهل گیرانه نیز، محبت افراطی نصیب فرزندان می‌شود که در هر دو صورت، باعث اختلال در شخصیت و باعث ایجاد چالش در کنش‌های رفتاری فرزندان می‌شود.

همان‌گونه که بررسی‌ها نشان می‌دهد، نقد و بررسی سبک‌ها فرزندپروری به ویژه دیدگاه بامریند بیشتر معطوف به اسلام بوده است و تحقیقات مرتبط با دیدگاه اختصاصی حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه بسیار محدود است. پژوهش حاضر با بررسی دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) به ویژه در نهج البلاغه، به ارائه مدلی از سبک فرزند پروری بر اساس دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) اقدام خواهد کرد. به عبارت دیگر، نوآوری پژوهش حاضر، غیر از بررسی سبک فرزندپروری بامریند از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، ارائه مدلی از فرزندپروری از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) نیز می‌باشد.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نوع تحقیق کیفی است و تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس روش توصیفی - استنباطی می‌باشد. در این راستا با مراجعه به منابع دست اول و دست دوم، فیش برداری از مطالب صورت گرفت. سپس در مرحله بعد، مطالب طبقه‌بندی شد و در جای مناسب خود قرار گرفت و توصیف به عمل آمد. پس از توصیف، محقق بر اساس توصیفات، استنباط از مطالب انجام داد و بر اساس این استنباط به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پرداخت. شکل زیر مراحل و روش شناسی تحقیق را نشان می‌دهد.



یافته‌ها

۱. ارزیابی سبک‌های فرزند پروری بامریند بر اساس دیدگاه امام علی (ع):

در سبک فرزند پروری بامریند و به‌خصوص در سبک سهل‌گیرانه و عاقلانه (مقتدرانه)، به دلیل آزادی بیش‌ازاندازه و انتظارات اندک از فرزندان، زمینه خودکنترلی، رشد لازم را نداشته و فرزندان قادر نیستند مدیریت بهنجاری بر خویشتن داشته باشند. به همین دلیل، یکی از پیامدهای منفی در سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه و عاقلانه این است که این فرزندان در بزرگسالی، به ناهنجاری‌های اخلاقی - جنسی، گرایش زیادی دارند و حتی نمی‌توانند خود را با قوانین اجتماعی سازگار نمایند. نتایج سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه و عاقلانه، فرزندان ناکارآمد، فرزندان با خویشتن داری ضعیف و با اعتمادبه‌نفس پایین و فاقد مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی هست. فرزندان این خانواده، معمولاً به دلیل عدم نظارت و تربیت صحیح، به بزهکاری و انحرافات اجتماعی تمایل دارند (ساتتراک، ۲۰۱۱، ۲۵۴).

امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند: بدانید همانا آن‌کس که خود را یاری نکند و پنددهنده و هشداردهنده خویش نباشد، دیگری هشداردهنده و پنددهنده او نخواهد بود (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۹). بنابراین، چنانچه عوامل درونی کنترل رفتار که همانا به‌کارگیری قوه اندیشه و تفکر، پیش از اقدام به هر



کاری است، به کار گرفته نشود، سایر عوامل بیرونی اثر چندانی برای کنترل انسان نخواهند داشت و فاقد نتیجه خواهند بود. به همین دلیل، در گزاره‌های دینی به صورت گسترده با ادبیات و شیوه‌های مختلف، بر تقویت پرهیزکاری و خودکنترلی و محاسبه خویش تأکید شده است. در فرمایش دیگر علی (علیه السلام)، یکی از فواید خودیابی و مراقبت از خود را، نیل به استواری و خودکنترلی (مدیریت خویش) دانسته و می‌فرماید: ای بندگان خدا، شمارا به پرهیزکاری سفارش می‌کنم که عامل کنترل و مایه استواری شماست (نهج البلاغه، خطبه ۸۳). در همین راستاست که امام علی (علیه السلام) در نامه به فرزندش می‌فرماید: دلت را با اندرز زنده کن، هوای نفس را با بی‌اعتنایی به حرام بمیران، جان را با یقین نیرومند کن و با نور حکمت روشنایی بخش و با یاد مرگ آرام کن. به نابدی از او اعتراف گیرو با بررسی تحولات ناگوار دنیا به او آگاهی‌بخش (نامه ۳۱). به نیکی‌ها امر کن و خود نیکوکار باش و با دست و زبان بدی‌ها را انکار کن و بکوش تا از بدکاران دور باشی و در راه خدا آن‌گونه که شایسته است تلاش کن و هرگز سرزنش ملامتگران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد (نامه ۳۱، نهج البلاغه).

در سبک‌های مستبد و آسان‌گیر، تربیت از اعتدال خارج می‌شود و دچار افراط و تفریط در کنترل است. سبک مستبد آزادی و اراده فرزند را محدود می‌کند و سبک آسان‌گیر دارای یک آزادی بی حد و حصر است. یکی از مباحث مهم در کلام حضرت علی (علیه السلام) در همه‌ی موارد رعایت اعتدال است. امام در نامه ۱۹ به بدرفتاری با مردم هشدار می‌دهد و تذکر می‌دهد که از خشونت و قساوت و تحقیر کردن و سنگ دلی دوری کنند. رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باشند و اعتدال و میانه‌روی را در هر کاری رعایت کنند (نامه ۱۹: ۳۰۲). همچنین در نامه ۲۷ در مورد اخلاق می‌فرمایند که با مردم فروتن، نرم‌خو و مهربان و گشاده‌رو و خندان باشید (نامه ۲۷: ۳۰۸).

از نتایج سبک مستبد، عدم اراده و توانایی تصمیم‌گیری فرزندان است؛ این در حالی است که امام علی (علیه السلام) از تقوا به عنوان عامل تقویت اراده و مالکیت نفس که نقش عمده‌ای در ترک گناه و عادات ناپسند دارد یاد می‌کند و می‌فرماید: آگاه باشید همانا گناهان چون مرکب‌های بدرفتارند که سواران خود (گناهکاران) را عنان رهاشده در آتش دوزخ می‌اندازند. آگاه باشید همانا تقوا چنان مرکب‌های فرمان‌برداری است که سواران خود را عنان بر دست وارد بهشت جاودان می‌کنند (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

از عواملی که فرزند را به پیروی از شیوه‌های تربیتی پدر و مادر علاقه‌مند می‌کند، اطمینان فرزند به آگاهی پدر و مادر درباره تربیت فرزند و توانایی آن‌ها در این زمینه است؛ بنابراین، پدر و مادر باید اعتماد

فرزندان خود را جلب و خیال آن‌ها را درباره توانایی‌های خویش در زمینه تربیت آسوده کنند. حضرت علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه، این‌گونه اعتماد امام حسن علیه السلام را به خویش جلب می‌کند: «پسرم! اگرچه من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، ولی در کردار آن‌ها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویی یکی از آن‌ها شده‌ام، بلکه بامطالعه تاریخ آنان گویا تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام. پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از قسمت‌های تیره آن شناختم و زندگانی سودمند آنان را با دوران زبان بارش شناسایی کردم. سپس از هر چیزی، مهم و ارزشمند آن را و از هر حادثه‌ای، زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم و ناشناخته‌های آنان را دور کردم. پس [بادانشی فراوان و اندوخته‌هایی انبوه]، آن‌گونه که پدری مهربان نیکی‌ها را برای فرزندش می‌پسندد، من نیز بر آن شدم تا تو را با خوبی‌ها تربیت کنم». (نهج البلاغه، نامه ۳۱). اطمینان بخشی نیز یکی از موارد بنیادی فرزندپروری است که در سبک‌های فرزندپروری بامریند مغفول مانده است؛ امری که می‌تواند در موفقیت فرایند تربیت فرزندان با هر سبکی بسیار موثر باشد.

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت که در سبک مستبد کودک را محدود به آنچه والدین می‌خواهند می‌کنند. در واقع آزادی کودک را تا حد زیادی کم می‌کنند در حالی که در سبک فرزند پروری علوی استبداد جایی ندارد. امام علی علیه السلام نظارت بر فرزندان را لازم می‌داند، اما الزام و اجبار و رفتار تند و خشونت‌آمیز در پرورش فرزندان را نمی‌پسندد. امام علیه السلام وقتی خواسته‌ای را در راستای تربیت فرزند مطرح می‌کند آن را با استدلال و منطق بیان می‌کند تا فرزندان با باور و از روی اعتقاد به درستی صحت یک رفتار یا منش آن را بپذیرند نه با اجبار و ترس. به عبارت دیگر، در مکتب علوی مطالبه‌ی اجباری و تحمیل آراء و عقاید و اندیشه‌ها جایی ندارد. حسن ختام این بعد تربیتی امام علی علیه السلام توصیه فرزند به تدبیر و تأمل و صیایای پدر است. آنجا که می‌فرماید: «فتفهّم یا بنی وصیتی» امام با این عبارت فرزند خویش را مجبور به پذیرفتن به وصایای خود نکرده است و از او می‌خواهد که بافهم و تأمل در گفته‌های پدر بنگرد (قدسی و قائمی، ۱۳۹۳). امام علی علیه السلام برای عاطفه و محبت در تربیت فرزند و پاس‌خگویی به نیازها و خواسته‌های او نقش محوری قائل است. ایشان در نامه سی و یکم، ۱۳ بار از کلمه «بنی» استفاده کرده است که برای اظهار علاقه و محبت از این کلمه استفاده کرده است (بیات، بیات؛ ۱۳۹۵). در سبک آسان‌گیر بامریند با آن‌که از مزیت آزادی و دادن حق انتخاب به فرزندان برخوردار است اما دارای معایبی از جمله پرتوقع شدن کودکان، عدم قدرت کنترل بر آن‌ها می‌شود و کودک بی‌احترامی و جسارت را نسبت به والدین خود به دست می‌آورد. همان‌طور که امام علی علیه السلام می‌فرماید وقتی فرزند در کودکی جرت

جسارت کردن به پدر خود را پیدا کند در بزرگسالی به تدریج باعث عاق پدرش خواهد شد. سبک مقتدرانه، که موفق‌ترین روش فرزند پروری شناخته شده است و در میان روش‌های فرزند پروری مطرح شده نزدیک‌ترین روش تربیتی به دیدگاه ائمه معرفی شده است؛ اما با تمام مزیت‌ها همچون گرم گرفتن در تعاملات خود با فرزندان، استفاده از تنبیه و بازخواست در موارد نیاز، کنترل آزادی، توجه به توانایی‌ها را می‌توان نام برد؛ اما بر اساس دیدگاه امام علی افراط در خشونت و تنبیه آسیب بیشتری به کودکان می‌زند. در سبک مقتدرانه با مریند والدین توقع رفتار معقول دارند و از آن‌ها کار دقیق و منظم می‌خواهد اما طبق دیدگاه امام علی (علیه السلام) والدین باید آنچه در توان فرزندانشان است را قبول کنند و آن‌ها را وادار به کاری که خارج از توان آن‌هاست نکنند.

و نهایتاً این که تفاوت مبنایی دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) با دیدگاه بامریند در مبحث نیت فرزند پروری و سبک‌های آن برمی‌گردد. با نگاهی به نهج البلاغه درمی‌یابیم با این که والدین وظیفه تربیت فرزند را بر عهده دارند اما این وظیفه، یک امر الهی است و مبتنی بر قصد قربت است. حقوق والدین نسبت به فرزند و فرزند نسبت به والدین در راستای اوامر الهی معنی پیدا می‌کند. بر همین اساس، تقوا و بسیاری از ویژگی‌های تربیتی فرزندان همانند صبر، گذشت، حکمت‌آموزی و ... بر اساس همین مبنا معنا پیدا می‌کند. در دیدگاه بامریند این مبحث جایگاهی ندارد و فقط از بعد عقلی صرف است که مباحث مطرح می‌شود؛ از این جهت است که مواردی همچون یاد مرگ، تقوای الهی و پرهیزگاری با نیت الهی از مباحث مهم حضرت علی در نهج البلاغه (همانند نامه ۳۱) به شمار می‌رود و در سبک‌های بامریند جایگاهی ندارد. چنان که در نامه ۳۱ که برای فرزندش امام حسن نگاشته شده است اولین توصیه را ترس از خدا سفارش می‌کند و به او تذکری می‌دهد که پیوسته به یاد آخرت و مرگ باشد و تاکید می‌فرماید: ای فرزندم، تو را به تقوای الهی و اطاعت از اوامر او و آبادانی قلبت به یاد خدا و تمسک به ریسمان الهی سفارش می‌کنم، قلبت را موعظه کن و با زهد بمیران و با یقین قوت بخش و با حکمت نورانیت ده و با یاد مرگ رامش کن و فنا را از آن اقرار بگیری و مصیبت‌های دنیا را به او نشان بده... (قدسی و قائمی، ۱۳۹۳).

۲. دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) در مورد فرزند پروری

۲-۱. تربیت پذیری انسان:

از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) فرزندان انسان تربیت‌پذیرند و اگر پدر و مادر از شیوه‌ها و اصول تربیتی آگاه باشند، از این ویژگی و تربیت‌پذیر بودن انسان به خوبی بهره می‌برند و فرزندان خویش را در رسیدن به بالاترین درجه‌های علمی و معنوی یاری می‌رسانند. آن حضرت بر اساس اصل «تربیت‌پذیر بودن

انسان»، یکی از حقوق فرزندان بر پدر را، تربیت شایسته فرزند می‌داند و می‌فرماید: حق فرزند بر پدرش این است که نام نیکو برای او برگزیند و به‌خوبی ادب و تربیتش کند و به وی قرآن بیاموزد (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۹). آن حضرت در سخنی در این باره، به فرزندش امام حسن (علیه‌السلام) می‌فرماید: «پیش از آنکه قلب تو دچار قساوت و اندیشه‌ات سرگرم [امور بیهوده] شود، به تربیت تو پرداختم» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱؛ همچنین مراجعه شود به فراهانی، ۱۳۸۹: ۱۸).

امام علی (علیه‌السلام) همچنین بهترین زمان تربیت را در هنگام کودکی می‌داند همان‌طور که در نامه خود به فرزندش می‌فرماید: پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آنکه دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد تا به استقبال کارهایی بروی که صاحبان تجربه، زحمت آزمون آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش و یافتن بی‌نیاز ساخته‌اند (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

۲-۲. خانواده‌محوری در فرزندپروری:

امام علی (علیه‌السلام) وظیفه اصلی تربیت فرزند یا به تعبیر دیگر فرزند پروری را بر عهده خانواده می‌گذارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۵۳). نقش خانواده در فرزند پروری تا آن‌جاست که حضرت علی (علیه‌السلام) یکی از ملاک‌های انتخاب کارگزاران دولتی را داشتن خانواده‌های پاکیزه و باتقوا می‌داند و می‌فرماید: «کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیا، از خاندانی پاکیزه و باتقوا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن، زیرا اخلاق آن‌ها گرمی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و طمع‌ورزی‌شان کمتر و آینده‌نگر هستند» (نهج‌البلاغه / نامه ۵۳) و همچنین برنامه‌ای به مالک اشتر، هنگامی که او را به فرمانداری مصر برمی‌گزیند، در بیان اهمیت نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت افراد می‌فرماید با نظامیان با خانواده‌های ریشه‌دار، دارای شخصیت حساب‌شده، خاندانی پارسا، دارای سوابق نیکو و درخشان که دلاور، سلحشور، بخشنده و بلندنظرند روابط نزدیک برقرار کن، آنان همه بزرگواری را در خود جمع کرده و نیکی‌ها را در خودگرد آورده‌اند (نهج‌البلاغه / نامه ۵۳).

۳-۲. ویژگی‌های رفتاری ایجابی در فرزندپروری:

تهذیب:

امام علی (علیه‌السلام) به فرزندش امام حسن (علیه‌السلام) در خصوص آمادگی قلب جوان برای تهذیب نفس چنین می‌فرماید: قلب نوجوان مانند زمین خالی است که هر چه در آن بی‌افشانی آن را می‌پذیرد، پس پیش از آنکه قلبت سخت شود و فکرت به امور دیگر مشغول گردد، به تعلیم و تربیت تو مبادرت کردم و همت خود را بر تربیت تو گذاشتم (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳).

صبر:

امام علی (علیه السلام) در نامه ۳۱ فرزندش را به صبر، شکیبایی سفارش می‌کند؛ والدین باید واژه‌های صبر را برای کودکان خود عملاً آموزش دهند تا در آینده در برابر مشکلات زندگی مقاوم و صبور باشند. در همین زمینه تاکی دارند: غم و اندوه را با نیروی صبر و نیکویی یقین، از خود دور ساز (نامه ۳۱: ۳۱۷).

مهربانی و گشاده‌رویی:

امام در نامه ۱۹ به بدرفتاری با مردم هشدار می‌دهد و تذکر می‌دهد که از خشونت و قساوت و تحقیر کردن و سنگ دلی دوری کنند. رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باشند و اعتدال و میانه‌روی را در هر کاری رعایت کنند (نامه ۱۹: ۳۰۲) زیرا کسی که میانه‌روی را ترک کند از راه بر حق منحرف می‌گردد (نهج البلاغه، نامه ۳۱). همچنین در نامه ۲۷ در مورد اخلاق می‌فرمایند که با مردم فروتن، نرم‌خو و مهربان و گشاده‌رو و خندان باشید (نامه ۲۷: ۳۰۸).

بخشنده‌گی و نرم‌خوی:

اخلاق و رفتار درست شایسته کسی است که با برادر و نزدیکان به‌خوبی رفتار کند. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: چون برادرت از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی را برقرار کن، اگر روی برگرداند تو مهربانی کن و چون بخل ورزد تو بخشنده باش، هنگامی که دوری می‌گزیند تو نزدیک شو و چون سخت می‌گیرد تو آسان گیر و به هنگام عذر او را بپذیر، چنانکه گویا بنده اوباشی و او صاحب نعمت تو است. مبادا دستورات یادشده را با غیر دوستان انجام دهی، یا با انسان‌هایی که سزاوار آن نیستند بجا آوری، دشمن دوست خود را دوست مگیر تا با دوست‌دشمنی نکنی. با آن‌کس که با تو درستی کرده، نرم باش که امید است به‌زودی در برابر تو نرم شود؛ با دشمن خود با بخشش رفتار کن، زیرا سرانجام شیرین‌دو پیروزی است «انتقام گرفتن یا بخشیدن» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۲-۴. ویژگی‌های رفتاری سلیبی در فرزندپروری:

خود بزرگ بینی و حرص و طمع و غرور:

امام در نامه ۳۱ می‌فرماید فرزندان خود را به نیکوکاری تشویق کنید و از خودبزرگ‌بینی، غرور، و حرص کودکان را بر حذر دارید؛ ایشان تاکید دارند که کودک را باید با انفاق و بخشندگی آشنا کرد و این یکی از وظایف مهم والدین به شمار می‌رود. (همچنین مراجعه شود به پرچم و همکاران، ۱۳۹۱). در حکمت ۳۸ امام به فرزندش امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید: ترسناک‌ترین تنهایی خودپسندی است (ص ۳۹۱). طمع نیز از ویژگی‌هایی است که انسان را به هلاکت می‌کشاند: پرهیز از آنکه مرکب طمع‌ورزی تو را به‌سوی

هلاکت به پیش راند و اگر توانستی که بین تو و خدا صاحب نعمتی قرار نگیرد، چنین باش، زیرا تو، روزی خود را دریافت می کنی و سهم خود را برمی داری و مقدار اندکی که از طرف خدای سبحان به دست می آوری، بزرگ و گرامی تر از (مال) فراوانی است که از دست بندگان دریافت می داری، گرچه همه از طرف خداست (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

خشونت و قساوت و تحقیر کردن:

امام در نامه ۱۹ به بدرفتاری با مردم هشدار می دهد و تذکر می دهد که از خشونت و قساوت و تحقیر کردن و سنگ دلی دوری کنند (نهج البلاغه، نامه ۱۹). در همین زمینه امام، منشور اخلاقی مهمی را مطرح می کند و در توصیه به فرزندش می فرماید: پسر! نفس خود را میزان خود و دیگران قرار ده، آنچه را که برای خودداری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی پسندی، برای دیگران می پسند، ستم را روا مدار، آن گونه که دوست نداری به تو ستم شود.

ضعف اراده:

ضعف اراده یکی از ویژگی های نکوهیده در نهج البلاغه است. امام علی (علیه السلام) از تقوا به عنوان عامل تقویت اراده و مالکیت نفس که نقش عمده ای در ترک گناه و عادات ناپسند دارد یاد می کند و می فرماید: آگاه باشید همانا گناهان چون مرکب های بدرفتارند که سواران خود (گناهکاران) را عنان رهاشده در آتش دوزخ می اندازند. آگاه باشید همانا تقوا چنان مرکب های فرمان برداری است که سواران خود را عنان بر دست وارد بهشت جاودان می کنند (نهج البلاغه، خطبه ۱۶). ایشان خطاب به فرزند خویش امام حسن (علیه السلام) در خصوص چگونگی نجات از تردید و سرگردانی در کارها و تصمیمات و اعمال اراده بر انجام عمل می فرماید: «قبل از پیمودن راه پاکان، از خداوند یاری بجوی،... و از هر کاری که تو را به شک و تردید اندازد، یا تسلیم گمراهی کند بپرهیز و چون یقین کردی دلت روشن و فروتن شد و اندیشه ات گرد آمد و کامل گردید و اراده ات به یک چیز متمرکز گشت، پس اندیشه کن در آنچه برای تو تفسیر می کنم، اگر در این راه آنچه را که دوست می داری فراهم نشد و آسودگی فکر و اندیشه نیافتی، بدان که راهی را که ایمن نیستی می پیمایی و در تاریکی ره می سپاری، زیرا طالب دین نه اشتباه می کند و نه در تردید و سرگردانی است که در چنین حالتی خودداری بهتر است (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۳۷۳).

بدخلقی:

امام در حکمت هایش می فرماید: «گرامی ترین ارزش خانوادگی، اخلاق نیکوست» (نهج البلاغه، حکمت ۳۸: ۴۵). ایشان در این خصوص به فرزندشان توصیه می فرمایند: «ای پسرم نفس خود را میزان میان

خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود داست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگران مپسند» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

نتیجه‌گیری و بحث

در ارزیابی سبک‌های فرزند پروری بامریند از دیدگاه حضرت علی، می‌توان گفت که هم از لحاظ مبنایی و هم از لحاظ اجرایی (در عمل) تفاوت‌های مهمی در حوزه وجود دارد به گونه‌ای که دیدگاه بامریند را با نقدهای اساسی مواجه می‌کند. اگر ساحت تربیت را همه‌ی ابعاد انسان (ذهنی، اجتماعی، اخلاقی، عاطفی، و اعتقادی) بدانیم ساحت اعتقادی از منظر بامریند مغفول مانده است و این تربیت انسان را با نقص مواجه می‌کند. با نگاهی به نهج‌البلاغه درمی‌یابیم با این که والدین وظیفه تربیت فرزند را بر عهده دارند اما این وظیفه، یک امر الهی است و مبتنی بر قصد قربت است. بر همین اساس، تقوا و بسیاری از ویژگی‌های تربیتی فرزندان همانند صبر، گذشت، حکمت‌آموزی و ... بر اساس همین مبنا معنا پیدا می‌کند و از این جهت است که مواردی همچون یاد مرگ، تقوای الهی و پرهیزگاری با نیت الهی از مباحث مهم حضرت علی در نهج‌البلاغه (همانند نامه ۳۱) به شمار می‌رود و در سبک‌های بامریند جایگاهی ندارد. همچنین بر همین بنیاد است که موضوع فرزندپروری در دیدگاه بامریند تحت عنوان «روابط والدین و فرزندان» مطرح می‌شود اما در دیدگاه حضرت علی علیه السلام «حقوق والدین و فرزندان»؛ همان گونه که حضرت یکی از حقوق پدر بر فرزند را اطاعت پدر می‌داند: «حق پدر بر فرزند آن است که فرزند در همه چیز جز نافرمانی خدا، از پدر اطاعت کند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۹: ۵۱۹). در سبک مستبد نیز کودک را محدود به آنچه والدین می‌خواهند می‌کنند. در واقع آزادی کودک را تا حد زیادی کم می‌کنند در حالی که در سبک فرزند پروری علوی استبداد جایی ندارد و عاطفه نقش مهمی را ایفا می‌کند؛ چنانچه در نامه سی و یکم، ۱۳ بار از کلمه «بنی» استفاده کرده است که برای اظهار علاقه و محبت است (بیات، بیات؛ ۱۳۹۵). در سبک آسان‌گیر بامریند با آن که از مزیت آزادی و دادن حق انتخاب به فرزندان برخوردار است اما دارای معایبی از جمله پرتوقع شدن کودکان، عدم قدرت کنترل بر آن‌ها می‌شود و کودک بی‌احترامی و جسارت را نسبت به والدین خود به دست می‌آورد. همان‌طور که امام علی علیه السلام می‌فرماید وقتی فرزند در کودکی جرت جسارت کردن به پدر خود را پیدا کند در بزرگسالی به تدریج باعث عاق پدرش خواهد شد. سبک مقتدرانه، که موفق‌ترین روش فرزند پروری شناخته شده است و در میان

روش های فرزند پروری مطرح شده نزدیک ترین روش تربیتی به دیدگاه ائمه معرفی شده است؛ اما با تمام مزیت ها همچون گرم گرفتن در تعاملات خود با فرزندان، استفاده از تنبیه و بازخواست در موارد نیاز، کنترل آزادی، توجه به توانایی ها را می توان نام ببرد؛ اما بر اساس دیدگاه امام علی افراط در خشونت و تنبیه آسیب بیشتری به کودکان می زند. در سبک مقتدرانه بامریند والدین توقع رفتار معقول دارند و از آن ها کار دقیق و منظم می خواهد اما طبق دیدگاه امام علی (علیه السلام) والدین باید آنچه در توان فرزندانشان است را قبول کنند و آن ها را وادار به کاری که خارج از توان آن هاست نکنند. نقد مبنایی و اجرایی از سبک فرزندپروری بامریند بر اساس نهج البلاغه را می توان در جدول ۱ مشاهده کرد:

جدول ۱: نقد مبنایی و اجرایی از سبک فرزندپروری بامریند بر اساس نهج البلاغه

نوع نقد	نقد	نتایج
نقد مبنایی	عدم توجه به همه ساحت های تربیت به ویژه بعد اعتقادی	عدم توجه به ظرفیت های چون نیت الهی، قرب الهی و پاداش اخروی، و ایجاد روابط به جای حقوق
نقد اجرایی در سبک استبدادی	عدم آزادی مشروع فرزند	از دست دادن عواطف والد - فرزندی
نقد اجرایی در سبک آسان گیر	آزادی نامشروع فرزند	جسارت به والدین - عاق والدین
نقد اجرایی در سبک مقتدر	عدم کنترل درونی	عادت به کنترل بیرونی و از دست دادن ظرفیت بزرگی چون تقوا (خوبستن داری)



بر اساس دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می توان مدلی از سبک فرزندپروری ارائه داد که این مدل دارای پیش فرض ها، (مقدمات)، ویژگی های، اصل و نتایجی است. اولین پیش فرض، نیت الهی است که مبتنی بر خشنودی خداوند می باشد. این مهم ترین تفاوت دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) با هر دیدگاه علمی غیر دینی (سکولار) است. دومی پیش فرض، تربیت پذیری انسان است؛ آن حضرت در کلامی ناب فرموده است: «هیچ پدری به فرزندش، موهبتی مانند تربیت نیکو نبخشیده است.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱؛ همچنین مراجعه شود به فراهانی، ۱۳۸۹: ۱۸). خانواده محوری در فرزندپروری پیش فرض سوم فرزند پروری از دیدگاه حضرت است. امام علی (علیه السلام) وظیفه اصلی تربیت فرزند یا به تعبیر دیگر فرزند پروری را بر عهده خانواده می گذارد در همین نیز می فرماید: فرزند گل وجود پدر است و بعد در خط اطاعت و سپس در خط دوستی یا دشمنی با پدر و مادر، که آن بستگی به نحوه تربیت و پایه گذاری آن دارد... (نهج البلاغه / خطبه ۲۳). و نهایتاً چهارمین پیش فرض را می توان اطمینان فرزند به آگاهی پدر و

مادر درباره تربیت فرزند و توانایی آن‌ها در این زمینه دانست؛ بنابراین، پدر و مادر باید اعتماد فرزندان خود را جلب و خیال آن‌ها را درباره توانایی‌های خویش در زمینه تربیت آسوده کنند. در مورد این موضوع مهم اخیر، کم‌تر به آن پرداخته شده است (از منظر نهج البلاغه) هر چند در مبانی نظری و علمی مباحث متعدد در مورد آن صورت گرفته است و این می‌تواند پیشنهادی جهت محققان آینده باشد؛ طبق مبانی نظری، اولاً بدون آگاهی از راه و رسم تربیت، نمی‌توان به سازندگی و پرورش فرزند پرداخت. کودکان در مراحل مختلف رشد خود، به راهنمایی ما نیاز دارند و باید بر اساس ضوابط و مقرراتی، اقدام به اصلاح آن‌ها شود و مربی باید راه و روش‌های لازم را بداند؛ چراکه بدون آگاهی نمی‌توان به امر تربیت پرداخت. حتی گاه آگاهی نداشتن، موجب وارد آمدن آسیب‌هایی بر روان کودک می‌شود. ثانیاً آنچه در اصلاح و تربیت کودک مهم است. این است که والدین باید نظر و اطمینان کودکان را به خود جلب کنند تا تصمیم‌های آنان درباره فرزندانشان مؤثر باشد. چه نیکوست که کودک نسبت به آگاهی و توانایی والدین، در امر تربیت اعتماد کنند و بدانند که والدین، خواهان خیر و سعادت او هستند و آنچه را انجام می‌دهند، به خاطر آسایش و خیر اوست. ضروری است که کودک درک کند والدین او افرادی هستند صمیمی، فداکار، آگاه و دارای تجربه که دغدغه خوشبختی او را در سردارند و به هنگام اوقات تلخی‌ها، قصد ندارند که کودکشان را بیازارند و به او آسیبی برسانند، بلکه انگیزه‌شان از برخورد‌های تندى که گاهی ممکن است با آن‌ها داشته باشند، خدمت و تربیت آنان و به دنبال آن، رشد و تعالی آنان است. پس برای آن‌که فرزندان، به همه رفتارهای والدین با آن‌ها خوش‌بین و برای تمام رفتارهای آنان، توجه مثبتی داشته باشند، باید والدین، اعتمادسازی کنند و اطمینان آنان را به‌طور کامل به‌سوی خویش جلب نمایند (قائمی امیری، ۱۳۹۶: ۷۸). غیر از مقدمات تربیت (پیش‌فرض‌های) مذکور، فرزندپروری از دیدگاه حضرت علی علیه السلام باید بر اساس ویژگی‌ها ایجابی و سلبی مختلفی باشد که طبق یافته‌های این تحقیق می‌توان به تهذیب، صبر، مهربانی، گشاده‌رویی همراه با اعتدال، بخشندگی و نرم‌خوی از یک طرف و از طرف دیگر به خود بزرگ بینی و حرص و طمع و غرور، خشونت و قساوت و تحقیر کردن، ضعف اراده، و بدخلقی اشاره کرد. فرزندپروری بر اساس ویژگی‌های مذکور مبتنی بر یک اصل مهم است و آن اعتدال در رفتار و امور است. رعایت عدالت یکی از تاکیدات مهم حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه است و در این زمینه تحقیقاتی نیز صورت گرفته است (همان قدسی و قائمی؛ ۱۳۹۳). این اعتدال، در رفتارهای سلبی به سمت نرمش و دوری از شدت و در رفتارهای ایجابی به سمت عدم الزام و اجبار سوق پیدا می‌کند. و نهایتاً فرزند پروری مبتنی بر دیدگاه حضرت علی علیه السلام نتیجه‌ای نهایی و اصلی دارد و آن هم سعادت

انسان و قرب الهی است. کما این که در روایات مختلف، فرزندی که با شایستگی تربیت شده است را سرمایه‌ی انسان و جزوی از باقیات‌الصالحات دانسته‌اند؛ جدول شماره ۲:

جدول ۲: مدل سبک فرزندپروری بر اساس نهج‌البلاغه

نیت الهی (خشنودی خدا)		پیش‌فرض‌ها (مقدمات)
تربیت‌پذیری انسان		
خانواده محوری		
اعتماد‌پروری		
تهدیب، صبر، مهربانی، گشاده‌رویی همراه با اعتدال، بخشنده‌گی و نرم‌خوی	ایجابی	ویژگی‌ها
خود بزرگ بینی و حرص و طمع و غرور، خشونت و قساوت و تحقیر کردن، ضعف اراده، و بدخلقی	سلبی	
اعتدال		اصل
قرب الهی و سعادت انسان		نتیجه

منابع

نهج البلاغه

۱. زاقی، افشین، ۱۳۸۱ش، نظریه‌های ارتباطات اجتماعی، تهران، انتشارات پیکان.
۲. شریعتمداری، علی، ۱۳۸۴ش، تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: امیرکبیر.
۳. قائمی امیری، علی، ۱۳۷۴ش، تربیت و بازسازی کودکان، جلد ۱، امیری.
۴. گرجی، ابراهیم؛ برخوردار، سجاد، ۱۳۸۸ش، مبانی و روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، انتشارات ثالث.
۵. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۴، پند جاوید، جلد ۱، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲ش، تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.

مقالات

۷. اسعدی، ذکایی، نیره، کاویانی، محمدی، گوهری، محمود رضا، ۲۰۰۶، رابطه پس‌زمینه اجتماعی - فرهنگی با شیوه تربیتی والدین، موفقیت تحصیلی و سبک یادگیری فرزندان. *مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۱(۱)، ۲۱-۲۸.
۸. بیات، زهرا؛ بیات، اعظم، ۱۳۹۵ش، نظام تربیتی خانوادگی از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، *سومین کنفرانس روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی با رویکرد بین‌المللی*.
۹. پرچم، اعظم؛ فاتحی زاده، مریم؛ یاری؛ حمیداله، ۱۳۹۱ش، مقایسه سبک‌های فرزند پروری در اسلام؛ پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره جدید، ۲۰(۱۴).
۱۰. پناهی، علی احمد، ۱۳۹۷ش، معرفی سبک فرزند پروری بامریند و ارزیابی آن، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، سال بیست و چهارم، شماره دوم (پیاپی ۱۱۷) تابستان ۱۳۹۷.
۱۱. حائری، حسام‌الدین، ۱۳۹۴ش، مقایسه شیوه‌های فرزند پروری از دیدگاه اسلام و رفتارگرایی؛ *همایش بین‌المللی روان‌شناسی و فرهنگ زندگی*.
۱۲. رضوی، جمیله سادات؛ رباط میلی، سمیه، ۱۳۹۵ش، سبک‌های فرزند پروری و تعاریف آن‌ها؛ *اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی و مطالعات اجتماعی ایران*.



۱۳. فخری، محمدکاظم، ۱۳۹۵ش، مقایسه سبک فرزند پروری در روان شناسی معاصر با سبک اسلامی؛ چهارمین اجلاس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی سال.

۱۴. فرمهبینی فراهانی، محسن؛ قلی زاده مقدم، زینب، ۱۳۸۹ش، ویژگی های جوان معیار از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، ماهنامه مهندسی فرهنگی (۴۱ و ۴۲) ۴.

۱۵. قدسی، علی محمد؛ قائمی، مرتضی، ۱۳۹۳ش، بررسی تطبیقی سبک های فرزند پروری با سبک فرزند پروری امام علی (علیه السلام) در نامه سی و یکم نهج البلاغه؛ فصلنامه پژوهشی نهج البلاغه، (۸) ۲.

۱۶. کوخایی، آزاد؛ رود مقدس؛ رضانعلی، ۱۳۹۵ش، بررسی سبک های فرزند پروری در منابع اسلامی؛ بصیرت و تربیت اسلامی، (۳۶) ۱۳.

۱۷. ماهر، فرهاد؛ کمیجانی، مهرناز، ۱۳۸۶ش، مقایسه شیوه های فرزند پروری والدین نوجوانان با اختلال سلوک و نوجوانان عادی؛ دانش و پژوهش در روان شناسی؛ شماره (۳۳).

منابع انگلیسی

18. Baumrind, D. (1974). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*, 4(1), 1-103. ISSN: 0012-1649. doi: 10.1037/h0030372.
19. Baumrind, D. (1991). Effective Parenting during the early adolescent transition In P. A. Cowan & E. M. Hetherington (Eds). *Familytransitions* (Vol. 2, PP. 111-163). Millsdale NJ: Erlbaum.
20. Darling, N. & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: Anintegrative model. *Psychological Bulletin*, 113 (3), 487-496.
21. DuPree Sheilds, C. (2015). The relationship between goal orientation, parenting style and self handi capping in adolescence. Unpublished doctoral dissertation, The University of Alabama, Albama.

22. Farzana Bibi, Abid Ghafoor Chaudhry, Erum Abid Awan, Bushra Tariq. (2013). Contribution of Parenting Style in life domain of Children 2279-0837, p- ISSN: 2279-0845.
23. Marina Matejevica, Dragana Jovanovica, Milena Ilic, (2015). Patterns of Family Functioning and Parenting Style of Adolescents with Depressive Reactions, Procedia – Social and Behavioral Sciences 185.
24. Santrock, John W. (2011). Life-span development, Published by McGraw-Hill, an imprint of The McGraw-Hill Companies Avenue of the Americas, New York. Schaufeli, W. B.
25. Sepideh yazdani, golrokh daryaei. (2016). parenting styles and psychosocial adjustment of gifted and normal adolescents, pacific science review b: humanities and social sciences. 2.
26. Steinberg, L. (2011). We know some things : Parent- adolescent relationship in retrospect and prospect. *Journal of Research on Adolescence*, 11, 1-19.